

یک هفته به آغاز دادگاه متهمان معرفی شده در پرونده قتل پدرمادرم داریوش و پروانه فروهر باقی مانده است. در تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۷۹ طی نامه‌ای که هم‌اکنون نیز ضمیمه‌ی این پرونده است موارد کلی نقص پرونده را برای شما که بالاترین مقام قضایی کشور را دارا هستید، نوشتم با امید آنکه توجه شما به این نواقص فاحش راهگشایی باشد در رسیدگی صحیح و رفع نواقص این پرونده ملی. در این راستا ملاقاتی نیز با قاضی احمدی (قاضی تحقیق) داشتم که ایشان نیز بر نواقص پرونده صحه گذاشته و تأکید کردند که در جهت رفع این نواقص تلاش خواهند کرد. پرونده پس از مدت کوتاهی با اعلام تکمیل آن به دادگاه برگشت ولی متأسفانه نواقص فاحش آن برطرف نشده است.

عدم وجود اعترافات سعید امامی در پرونده از سوی قاضی دادگاه نیز به عنوان نقص اعلام شده اما همچنان هیچ برگی از اعترافات وی ضمیمه‌ی پرونده نشده است. با توجه به گفته‌ی رسمی مقام رسیدگی‌کننده به پرونده در رابطه با نقش سعید امامی در قتل‌ها در تاریخ ۷۸/۳/۳۰ که اعلام کرده‌اند: «با توجه به مدارک موجود و اعترافات صریح سعید امامی وی هیچگونه راه فراری نداشت و اگر با این اتهامات به دادگاه می‌رفت حکم او اعدام بود» چگونه حذف اعترافات وی از پرونده را می‌توان توجیه کرد و در راستای افشای حقایق، که وظیفه‌ی دادگاه است، دانست؟ چگونه پرونده‌ای فاقد اعترافات متهم مهمی، که از سوی مقام رسیدگی‌کننده لایق اشد مجازات در رابطه با جرایم موضوع پرونده بوده، تکمیل شده تلقی می‌شود؟

متهمان ردیف اول و دوم ادعا دارند که به دستور وزیر وقت اطلاعات این جنایت‌ها را انجام داده‌اند و اساس اعترافات آنان بر این مبنا است. پس از اعلام نقص و به درخواست دادگاه برای انجام تحقیقات از وزیر وقت، سه صفحه اظهارات ایشان به پرونده ضمیمه شده که تنها به رد این ادعا اکتفا کرده‌اند. آیا این تحقیق کافی است که بر اساس آن با صدور قرار منع تعقیب حتی امکان تحقیق بیشتر بکلی مسدود شده است؟

با حذف مسئله‌ی دستور وزیر پرونده حتی بسیار مبهم‌تر شده است زیرا انگیزه‌ی این جنایت‌ها از سوی متهمان به تکرار اجرای دستور وزیر اعلام شده. حالا با فرض اینکه دستوری از مقام بالاتر در کار نبوده است پس اینان با چه انگیزه و پشتوانه‌ای چنین جنایت‌های فجیعی را، چنین حساب‌شده و با بکارگیری کادری وسیع انجام داده‌اند؟ از محتویات پرونده جوابی برای این پرسش اساسی نمی‌توان یافت.

مصطفی کاظمی در ذیل برگ تمدید قرار بازداشت خود به تاریخ ۷۶/۶/۱۱ نوشته: «آمریت با سعید امامی است» در صورتی‌که در بازجویی‌هایی که در سال ۷۹ از وی انجام شده وزیر وقت را امر معرفی کرده است. این تناقض را چگونه می‌توان توضیح داد در شرایطی که تمامی برگه‌های بازجویی کاظمی تا پیش از سال ۷۹ از پرونده حذف شده‌اند؟

بر اساس بازجویی‌های متهمان، خلافکاری‌هایی از سوی مرجع رسیدگی‌کننده صورت گرفته که سبب پیچیدگی و ابهام پرونده شده است: متهمان در بازجویی‌های اولیه تا ماه‌ها خود را با نام‌های مستعار معرفی کرده‌اند. برخی از آنان ادعا می‌کنند که این عمل را با رضایت و حتی توصیه‌ی مسئول بازجویی انجام داده‌اند. اگر فرض را بر دروغ بودن این ادعا بگذاریم شاید افراد ناشناخته‌ی رده‌های پایین وزارت اطلاعات می‌توانستند هویت خود را مخفی نگه دارند اما این عمل برای افراد شناخته شده‌ای از جمله مصطفی کاظمی و مهرداد عالیخانی چگونه ممکن بوده است؟ اما از آنها نیز تا مدت‌ها تنها با نام مستعار در پرونده مدارکی وجود دارد. حتی در صورت جلسه‌ی شعبه‌ی دوم دادگاه نظامی یک تهران، که به اعتراض آنان مبنی بر صدور قرار بازداشت رسیدگی کرده، نیز از نام مستعار استفاده کرده‌اند. متهمان حتی در بیان نام و هویت خود موظف به گفتن حقیقت نشده‌اند. این رویه چگونه توجیه پذیر است؟ چه تأییراتی در روند پیگیری پرونده داشته است؟ چرا در این موارد پیگیری لازم انجام نشده؟

در مورد چگونگی ورود به خانه پدرمادرم و نحوه‌ی قتل آن دو ابهامات و تناقضات فراوان وجود دارد که با وجود اعلام این نواقص، همچنان برطرف نشده‌اند:

متهمان مدعی هستند که با دستمال آغشته به مواد بیهوشی پدر و مادرم را بیهوش کرده و سپس به قتل رسانده‌اند در صورتی‌که بر اساس گزارش پزشکی قانونی در خون آن‌ها آثار مواد بیهوشی کشف نشده است. این نکته می‌تواند ثابت‌کننده‌ی ساختگی بودن اعترافات متهمان درباره‌ی چگونگی کشتن پدرمادرم باشد. چرا هیچ تحقیقی در این باره وجود ندارد؟ پیدا شدن پیراهن آغشته به خون فردی غیر از پدرمادرم، سرنگی که حاوی ذرات سم و خون پدرم بوده، اسلحه‌ای که حتی هیچ تحقیقی درباره‌ی اثر انگشت روی آن انجام نشده، در محل جنایت، همچنان در تناقض با گفته‌های متهمان درباره‌ی چگونگی به قتل رساندن پدرمادرم باقی مانده است. چرا؟

وظیفه‌ی دستگاه قضایی کشف چگونگی قتل آن‌ها است. چطور به خود اجازه می‌دهند با این استدلال که «در موضوع اتهام تأییری ندارد» این مطالب را مبهم باقی بگذارند؟

به ضمیمه‌ی پرونده قتل پدرمادرم تعداد بیش از صد قطعه عکس و دو حلقه نوار ویدیویی از صحنه‌ی جنایت به دادستانی

نظامی تحویل شده است. این مدارک مفقود شده‌اند. قاضی دادگاه که عدم وجود این مدارک تصویری را از نواقص پرونده اعلام کرده بود در جواب پرسش من که چرا این مدارک ضمیمه نشده‌اند اظهار کرد: گفته‌اند گم شده. چگونه مدارک ضمیمه‌ی پرونده گم می‌شوند؟

ریاست قوه قضاییه چگونه با این همه ابهام و تناقض، که من تنها گوشه‌ای از آن را نوشتم، پرونده‌ای کامل اعلام می‌شود؟ با توجه به تمامی این سؤال‌ها و بسیاری سؤال‌های دیگر که محدوده‌ی تنگ کیفرخواست کنونی مجالی برای یافتن پاسخ آنان را نمی‌دهد، چه امیدی به دادرسی عادلانه باقی می‌ماند؟

این سؤال‌ها که ذهن دردمند فرزندی پدر کشته، مادر کشته را می‌سایند آیا مهلت پاسخ خواهند یافت؟

برای ادای توضیحات بیشتر تقاضای ملاقات با شما دارم.

با احترام

پرستو فروهر، ۲۷ آذر ۷۹